

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۴ خرداد ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - سؤال آقای آزادی از آقای وزیر فرهنگ و جواب ایشان
- ۳ - شور و تصویب لایحه اعطای اختیار بدوات برای تأمین خواربار عمومی
- ۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز سه شنبه ۱۹ خردادماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

بودند بخیال افتادند که از این آزادی استفاد کنند و روزنامه های خود را که اجباراً تعطیل و توقیف شده بود دوباره منتشر کنند در این موقع دولت از چه نظری تصمیم گرفتند روزنامه هایی که سابقاً امتیاز هم داشته اند و میخواهند منتشر کنند اجازه انتشار ندهند حتی در این مجلس هم صحبت شد و بعضی از روزنامه ها خیال داشتند روزنامه های خودشان را چاپ کنند و بعضی اهم چاپ شده بود که شهربانی بر حسب دستور دولت از امتیاز آنها جلوگیری کرد بعد از آن در اثر تعقیبانی که شد دولت موافقت کرد بر روزنامه هایی که سابقاً امتیاز داشته اند اجازه بدهند منتشر بشوند بملاوه در زمان وزارت فرهنگ آقای تدین قریب سی چهار امتیاز هم صادر شد وعده زیادی روزنامه

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد .

۲ - سؤال آقای آزادی از آقای وزیر فرهنگ و جواب ایشان

رئیس - آقای وزیر فرهنگ آقای آزادی سؤالی داشتند حاضرید .

وزیر فرهنگ - بلی .

رئیس - آقای آزادی .

آزادی - عرض کنم که بنده يك سؤالی داشتم از آقای وزیر فرهنگ راجع به وضعیت جرایم و رفتار آنها . عرض کنم بعد از شهریور سال گذشته که بسیم آزادی در مملکت حلول کرده عده زیادی از روزنامه ها که در حال اختناق

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

این مذاکرات مشروح شصت و سومین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غالبین با اجازه - آقایان : امیر ابراهیمی - مره تاش - معصم سنک - فرمانفرمایان ، غالبین بی اجازه - آقایان : مجدضیائی - توایب - دکتر ضیاء - گودرز نیا - مهلب - طاطمی - آصف - صادق وزیري - کرگانی

نصرتیان .

منتشر شد که الان هم منتشر میشود بعد از آن باز عده زیادی از چراید هستند که سابقاً هم امتیاز داشتند حالا می خواهند روزنامه منتشر کنند از طرف وزارت فرهنگ شهربانی اجازه داده شده است که از انتشار آنها جلوگیری کنند و هم چنین عده زیادی از آقایان از وزارت فرهنگ تقاضای امتیاز کرده اند بآنها اجازه انتشار روزنامه داده شده است و همچنین بعضی از روزنامه ها هستند که در ولایات منتشر میشوند میخواهند تغییر محل بدهند باینکه در مرکز منتشر کنند باز بهمین مناسبت بآنها اجازه انتشار داده شده است بنده شنیدم که این قسمت بر حسب تصویب هیئت وزراء و تصویب نامه ای بوده است که هیئت وزراء صادر کرده است بنده تصور نمیکنم که هیئت وزراء بتواند و صلاحیت داشته باشد که برخلاف قانون اساسی تصویب نامه ای صادر بکند (صحیح است) برای اینکه مطابق قانون اساسی مطبوعات آزاد است و حتی میزی در قانون مطبوعات را هم قانون اساسی ممنوع کرده است و بنده بقانون مطبوعات هم که مراجعه کردم دیدم اصلاً موضوع امتیاز هم جنبه قانونی ندارد یعنی اشخاصی که بخواهند روزنامه منتشر کنند موظف و مکلف باشند از وزارت فرهنگ امتیاز بگیرند بنده برای اینکه مطلب روشن تر باشد عرض میکنم چون يك قسمت از قوانین ما فراموش شده موضوع اصل بیستم متمم قانون اساسی را اینجا برای آقایان میخواهم: اصل بیستم متمم قانون اساسی: عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و میزی در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند. این اصل بیستم متمم قانون اساسی است که عامه مطبوعات نباید آزاد باشد. در قانون مطبوعات ماده هست اینطور مینویسد قبل از طبع و انتشار هر روزنامه و ورقه مقرر مدیر جریده مکلف است که اظهارات ذیل را در روی يك ورقه بنظارت انطباعات بفرستد ۱ - اسم و رسم مدیر روزنامه و محل اداره

آن ۲ - اسم و رسم مطبعه ای که روزنامه در آن بطبع خواهد رسید ۳ - عنوان روزنامه و چراید و ترتیب طبع آن که بومیه است یا هفتگی است یا ماهانه ۴ - عدم چاپ هر امره ۵ - مسلك روزنامه و سیاق مطلب آن در صورت تغییر هر يك از کیفیات فوق باید در ثانی معلومات لازمه به نظارت انطباعات داده شود و این اظهارات باید همه مکتوباً در روی ورقه معنی با امضای مدیر مسئول بعمل آمده آن ورقه امبر دولتی خورده باشد بموجب این فصل مدیر مسئول روزنامه ملتزم است که در صورت تخلف از پنج الی پنجاه تومان دادنی باشد. غیر از این ماده برای روزنامه و مدیر روزنامه ماده نیست و بنده میدانم که چه طور سابقه شده است که هر کس روزنامه میخواهد باید تقاضای کند و امتیاز بگیرد در سایر ممالک هم هیچکس تقاضای امتیاز نمیکند و هر کس میخواهد روزنامه منتشر کند فقط يك اطلاع میدهد به وزارت فرهنگ که من میخواهم روزنامه منتشر کنم دیگر این تشریفات و مشکلات را ندارد در هر صورت این موضوع امتیاز يك سابقه ای شده است و بنده میخواستم از آقای وزیر فرهنگ سؤال کنم که آیا يك چنین تصویب نامه از هیئت دولت صادر شده است و یا از وزارت فرهنگ دستوری بشهربانی داده شده است که از روزنامه هائی که امتیاز داشته اند از انتشارشان جلوگیری بشود و همچنین آهائی که تقاضای امتیاز کرده اند و بشورای عالی ارجاع کرده اند اجازه نداده اند مبنی بر چه قانون و تصویب نامه ایست آقای وزیر فرهنگ توضیحی میفرمایند که همه مسبوق و مستحضر بشوند وزیر فرهنگ - همانطوری که آقای نماینده محترم اظهار فرمودند در قانون مطبوعات که در محرم ۱۳۲۶ تصویب شده است صحبتی از امتیاز روزنامه نیست و در قانون لغتاسی هم صحبتی نیست ولی بيك قانون دیگری مراجعه فرمودند. آن قانون بیستم اسفند ۱۳۰۰ است در آن قانون که راجع بشورای عالی فرهنگ است صراحت دارد بر اینکه تشخیص صلاحیت اشخاصی که امتیاز بخواهند یا روزنامه میخواهند با شورای عالی فرهنگ است وزارت فرهنگ بهیچوجه در نظر

نداشته است که از امتیاز روزنامه ای جلوگیری کند و تمام تقاضای امتیاز و همچنین روزنامه هائی که از سی و پنج سال پیش امتیاز داشته اند مطابق این قانون رجوع شده است به شورای عالی فرهنگ که صلاحیت درخواست کنندگان را تشخیص بدهد. راست است که امتیازاتی سابقاً داده شده است ولی بعد از پانزده سال بایست سال تعطیل میشود گفت صاحبان آن امتیازها دارای همان صلاحیتی که بوده اند هنوز هم هستند (صحیح است) امید وارم که باشند و صلاحیتشان را از دست نداده باشند ولی برای رسیدگی به صلاحیت آنها باز باید شورای عالی فرهنگ رسیدگی بکند البته اگر صلاحیت داشته باشند داده شود و چون هیچ قانونی معین نکرده است که بچه اشخاص میتواند امتیاز روزنامه داد این است که شورای عالی فرهنگ مطابق قانون بیستم اسفند ماه صلاحیت درخواست کنندگان را تشخیص بدهد و مشغول مطالعه است که بچه اشخاص میتواند امتیاز روزنامه داد و همچنین مطالعه این قضیه تمام شد مطابق معمول البته آنها که صلاحیت دارند و صلاحیتشان تشخیص شد امتیاز باو خواهد داد والا دیگران را نخواهد داد.

۳ - شور و تصویب لایحه اعطای اختیار بدولت برای تأمین خواربار

رئیس - لایحه درات راجع با اجازه اختیارات دولت راجع بتأمین خواربار مطرح است. گزارش کمیسیون قرائت میشود گزارش از کمیسیون قوانین دارائی بمجلس شورای ملی کمیسیون قوانین دارائی لایحه شماره ۵۲۶۴ دولت راجع با اعطاء اختیارات بدولت را برای تأمین خواربار که بيك فوریت آن تصویب شده است تحت شور قرار داده بالاخره ماده یگانه پیشنهادی دولت بترتیب زیر اصلاح شده اینک گزارش آن برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میشود.

ماده یگانه - مجلس شورای ملی برای خرید و جمع آوری غله و سایر مواد خواربار و تأمین وسایل نقلیه بمنظور تهیه ارزاق عمومی از تاریخ تصویب این قانون

تا آخر مهر ماه ۱۳۲۲ بدولت اجازه میدهد برای مواردیکه در قانون احتکار و آئین نامه آن پیش بینی نشده است هر اقدامی را که لازم بدانند بموقع اجرا بگذارند. کیفرهای ضروری نیز در اینباب (در حدود کیفرهای مقرر در قانون احتکار) از طرف دولت اعلام و اجرا خواهد کردید.

ارائی - بنده با اصل موضوع جلوگیری از احتکار مخصوصاً احتکار مواد غذایی و خواربار موافقم و هر اقدام شدید و خوبی هم در این باب بشود جایز میدانم و مختکر را مخصوصاً کسی که در ارزاق عمومی دخالت میکند و موجب کمیابی و گرانی میشود او را مجس میدانم و عقیده دارم که باید بجاتش کرد اما يك تذکرات و نظاریانی دارم که محتاج است عرض کنم و آن این است که مخصوصاً لایحه ای که دفعه اول تقدیم شده بود بوی يك اقدامات شدیدی از شما می آمد که دولت میخواهد بکند و تا اندازه ای استشمام لایحه اصول دیکتاتوری از آن میشد روی این اصل البته بنده با آن مخالف بودم حالا البته تخفیف پیدا کرد ولی باز میترسم این وسیله بشود برای اجرای يك عملیات شدیدی که منتهی باصول حکومت مقتدره و دیکتاتوری بشود. خاطر هست که در موقع کشته شدن کمیت ایمبری قنصل امریکا که عملی خارج از آزاکت و اخلاق بود و دولت بزرگ و ملت بزرگ امریکا فتوت بخرج دادند و از این قضیه صرف نظر کردند این سبب شد که دولت مداخلات بی رویه ای در تمام شئون مملکت بکنند سانسور شدید اداره شهربانی از آنجا شروع شد و بالاخره حکومت دیکتاتوری در این مملکت پیدا شد که همه سده اش را کشیدیم حالا هم بنده بازرس دارم که بنام دخالت در تأمین ارزاق عمومی دومرتبه همان اصول در مملکت برقرار بشود باین نظر بنده مخالفم و میخواهم متذکر کنم اولیای دولت را که بباد این اختیاری که بدولت داده میشود منتهی بآن اصول بشود بنده اطلاع دارم که يك قسمت از مملکت ارزاقش خوبست يك جاهائی هم هست که زراعتش خوب نیست کم است باید با آنجا رساید. قسمت های جنوب خوب نیست ولی جاهای دیگر خوب است اینقدرها هول و هراس لازم

ایست در جامعه ایجاد کرد و بایک رفتار عاقلانه میشود این منظور را تأمین کرد این هول و هراس ایجاد کردن مقدمه یک مداخلات بی رویه است. دیگر از چیزهایی که بنده را بوحشت انداخت این است که در اینجا یک اختیارات مطلق میخواهند از یک طرف هم اخیراً اختیاراتی برای دادگاههای نظامی گرفته شده است حکومت نظامی هم بر پا هست گفتگوهایی هم برای محدود کردن وسانسور مطبوعات هست و همه اینها ایجاد هول و هراس میکند اگر چه آقای نخست وزیر وعده دادند که در قانون مطبوعات تغییری داده نخواهد شد و شایعاتی که در خصوص سانسور میشود کاملاً دروغ است معذک خواستم مجدداً دولت اطمینان بدهد که آن اصول دیکتاتوری دو مرتبه بر پا نخواهد شد. دیگر از چیزهایی را که میخواستم تذکر بدهم بصهیئت دولت این بود که البته هر اقدامی که دولت در این مورد بکند پسندیده است ولی صرفاً نباید قناعت کرد بهمان اقدامات رسمی که مأمورین دولت میکنند باید خود مردم را هم دخالت داد در تأمین ارزاق عمومی ایرانیها غالباً بخیرند مسلمانند، متدینند رویه این بیست ساله حکومت این بوده است که مردم ابتدا اعتنائی نمیکردند اند هر اقدامی را دولت مقتضی میدانست خودش مقصدی بود و طحساسات عمومی را ابتدا رعایت نمیکرد کمک و مساعدت مردم را تقاضی نمی نمود در صورتیکه اقدامات و مساعدت مردم در اینجور موارد خیلی بیش از اقدامات موثر است برای مثال عرض میکنم که ده سال گذشته وضعیت ارزاقی شهر کاشان بسیار بد بود همیشه شهر کاشان کمتر از آنچه که مصرف دارد تهیه میکنند یعنی محصول شهر کاشان یک لک مصرف سالیانه اش است بخصوص در سال گذشته هیچ انداخت اما اخیراً کاشان چه کاشایهای مقیم طهران و چه مقیم کاشان و یک عده از بازرگانان اوع پرورشان جمع شدند و بیش از پنجاه هزار تومان پول جمع کردند با تصدی و نظارت خود این آقایان جنس از اطراف بخریده شد و بکاشان حمل شد و بفقرا و مساکین مجاناً دادند بعلاوه بقیمت ورود به بقالها و ناواها داده شد و شهر کاشان را کاملاً از قحطی اجابت دادند بدون

اینکه هیچ استمدادی از دولت بکنند که اجازه مداخله بمأمورین دولت بدهد و همینطور در سایر شهرها میشود این اقدام را کرد با کمک کمیسیونهایی که در هر محل از اختیار و نوع پروران تشکیل میشوند ممکن است وسائل تأمین ارزاق هر شهری را فراهم کرد و از زیات خیر خواهانه آنها استفاده کرد مخصوصاً این تذکر را به آقای وزیر دارائی میدهم که در ضمن اجرای این قانون و این اختیارات مردم را دخالت بدهند احساساتشان را جلب کنند و اداری بکنند که با طیب خاطر آنها مساعدت بکنند در تأمین ارزاق عمومی. موضوع دیگر را که بنده لازم میدانم تذکر بدهم این است که دولت خودش در بعضی مسائل مروج اصول احتکار است این قسمت را هم باید دست برداشت برای مثال عرض میکنم: چای امروز از مواد ارزاقی است تمام افراد این کشور استفاده می کنند استعمال میکنند همان قرینه است با نان و گوشت به بینید چه رویه ای دولت درباره چای اتخاذ میکند یکمرتبه دولت در چند ماه قبل تمام چایهای موجود کشور را ضبط کرد و روی صورت حسابهایی که تجار ارائه دادند صدی ده منافع برای ایشان منظور کرد و خرید از بسته ای دوازده ریال تا بیست ریال و همه را در انبارهای خودش ذخیره کرد بعد شروع کرد بفروختن اول اسماً از قرار بسته ای سی ریال ولی بکسی نمیداد فقط اسمی بود عملی نبود و بکسی نمیدادند بعداً شروع کردن به بالا بردن قیمت حالا که چیره بندی شده است از قرار بسته ای پنجاه ریال میفروشد اما روزهای چهارشنبه و پنجشنبه حراج میکنند صد صندوق صد صندوق همان چایها را که از قرار بسته ای دوازده قران الی دو تومان از تجار خریدند و مزایده از قرار بسته ای شش تومان هفت تومان ب مردم میفروشد و چهارم که عجاله کسب و کاری ندارند و واردات و صادراتی در کار نیست برای رفع بیکاری و برای احتکار صد صندوق یا صد صندوق میخرند و احتکار میکنند و عنقریب قیمت چای به بسته ای ده دوازده تومان خواهد رسید این ناشی از اقدام خود دولت

است خود دولت مسبب این عمل احتکار و بالا رفتن قیمت شده است یکی دیگر صابون از مواد ضروری این کشور است هیچکس را نمیشود مجبور کرد صابون استعمال نکند صابون در بعضی موارد از نان لازم تر است دولت مقدار زیادی صابون داشت در کارخانه کلمیسیرین اینها را باشخاص معینی در مدت خیلی کمی از قرار صندوقی چهل و پنج تومان فروخت الآن در بازار صندوقی بیش از صد تومان ارزش دارد در صورتیکه دولت برای جلوگیری از احتکار لازم بود اینها را بتدریج بفروشد که مقدار زیادی اندوخته نگاه دارد یا خریداران را متعهد بکند که با منفعت کمی ب مردم بفروشند این پیش بینی ها را هیچ نکردند یکمرتبه بیک اشخاص محترمی با قیمت نازلی فروخت و بدست آنها که افتاد قیمتش در بازار بالا رفت. این دو مثال. چندین موضوع دیگر را هم بنده اطلاع دارم که دولت خودش مسبب عمل احتکار و بالا بردن قیمت ها شده است اگر واقعاً حسن نیتی در کار است این قسمت هایی که در اختیار خودشان هست در درجه اول جلوگیری بکنید تا قسمت های ارزاقی بعد درست شود.

وزیر پیشه و هنر و بازرگانی - آقای اراقی البته یک مطالبات عمیقی در امور اجتماعی فرموده اند و خیلی خوشحال هستم که بنده هم استفاده میکنم از محضرشان و حسن تصادف این بود که حضور پیدا کردم و آنچه را که حساب میفرمودند شنیدم کارخانه صابون هم مثل همه کارخانه های دنیا احتیاج بمواد اولیه دارد ماده اولیه صابون بالاخره چربی است انواع چربی برای انواع صابون هاروغن زیتون هم لازم دارد روغن نارگیل هم ارزش استفاده میشود برای صابون مخصوص، روغن پنجه هم هست روغن کنجد هم هست روغن خشخاش هم هست کارخانه یک مقدار چربی تهیه کرده بود و یک مقدار هم با آن چربی ها صابون ساخته بود و موجود بود ولی برای اینکه جلوگیری از احتکار بشود دو اقدام باید کرد یکی باید تهیه کرد و یکی باید در دسترس اشخاص گذاشت اگر دولت بنا باشد آن مقدار صابونی را که دارد بفروشد و تأمین نکند قبلاً مواد دیگری را که لازم است برای جانشین کردن آن صابون

چه بگوئیم قالب قالب بفروشیم چه صندوق صندوق چه چهل و پنج تومان بفروشیم چه چهل و پنج هزار بالاخره احتکار خواهد شد یعنی آقایان جمع خواهند کرد و بالاخره وقتی که دیدند دولت ندارد بهر قیمت که میخواهند میفروشند بالاخره در چندی پیش این نظر پیدا شد که وقتی دیدند اجناس روز بروز قیمتش بالا میرود فکر کردیم یک تصمیمی بگیریم که اگر یک قالب صابون میفروشیم قبلاً برای تهیه کردن یک قالب صابون دیگر موادی که لازم داریم تهیه کرده باشیم و الا این مقدار هم که داریم از دستمان میرود و دیگر نمیتوانیم تهیه کنیم باین جهت آمدیم و اعلان کردیم که ما بیکسی از سه نوع حاضر هستیم معامله کنیم با اشخاصی که حاضر هستند. یک حسابی شد و دیدیم که چه مقدار چربی معادل مقدار معینی صابون ب ما میدهد گفتیم هر کس یک کیلو از فلان اوع چربی ب ما بدهد فلان مقدار صابون بهش میدهم و فلان مقدار هم دستی (چون مقدار صابونی که در نظر گرفته شده بود داده شود از حیث وزن کمتر از مقدار چربی بود) یکی این ترتیب بود که در حقیقت معامله جنس به جنس بود یکی دیگر اینکه گفتیم کسانی که حاضر هستند به ما چربی بفروشند بپایند پیشنهاد بدهند اگر نرخشان متناسب با عمل ما بود از شان میخریم و بکسی دیگر اینکه اگر کسانی هستند که میخواهند با ما معامله کنند بگویند چه مقدار چربی میخواهند بفروشند و به چه قیمت و بهمان تناسب صابون را هم بخرند بیک قیمت معینی و به قیمتی که خودشان پیشنهاد میکنند و ما هم قبول میکنیم بنا بر این بنا باصل مزایده شد. دو پیشنهاد ب ما رسید یک نفر پیشنهاد کرد که چهل تن حاضر است ب ما روغن تخم پنجه بدهد و بهمان تناسب که معین کرده بودیم صابون از ما بخرد و نرخ هر دو را معین کرد که این را به چه نرخ و آن را به چه نرخ یک نفر دیگر هم مقدار کمی در حدود چند تن پیشنهاد کرد و وقتی ما حساب کردیم هر دو برای دولت باصرفه بود و هر دو را هم خریدیم بنده باین هم قناعت نکردم یک اعلان مجددی هم کردم که آقایان ما در آن اعلان که مزایده

و مذاقسه گذاشتیم خداقل و اکثر این شد اگر باز کسی دیگر هست که چربی دارد و میتواند بما بفروشد ما میخریم . چند فقره پیشنهاد دیگر هم در این زمینه بما رسید البته آلهائی را که در حدود پیشنهاد ما بود قبول کردیم و عمل کردیم و اگر آقای اراقی میفرمایند که ما بیائیم صابون را همینطور بفروشیم یعنی يك صندوق دو صندوق ده صندوق باشخص بفروشیم قبل از آنکه آن موادی که برای تهیه صابون لازم است بجای آن در کارخانه تأمین کنیم برای خرید مواد اولیه ای که برای تهیه صابون لازم است مطابق اعلاناتی که کردیم نتیجه اش این شد که ما صابون را دادیم در مقابل چربی تهیه کردیم اگر بنا بود که اصلاً ما مواد اولیه نخریم وقتی که بخریدیم باید در کارخانه را به بندیم و قتیکه در کارخانه را بستیم آنوقت صابون تهیه نمیشود و اشخاصی که صابون دارند قیمت صابون را اگران میکنند یا اینکه ما برای تهیه صابون برویم در بازار آزاد و بگوئیم هر کس روغن آزاد دارد بما بفروشد و تجار هم البته اطلاع دارند که این کالا بمقدارش کم است و موجود است و قیمت آنوقت ناچاریم به اعلی القیم از آنها بخریم و وقتی که گران خریدیم ناچاریم هستیم گران بفروشیم و نتیجه یکی میشود تنها کاری که کرده ایم يك پولی ریخته ایم نوبی جیب تجار پس آن کاری که شده و بتناسب مقدار چربی که بدست دولت رسیده است ما صابون داریم بنرخ معین و خریداران هم گرانتر از آن نرخ حاضر بودند صابون را بخرند و اگر حاضر میشدند ناچار قیمت چربی خودشان را هم بالا میبردند و برای رعایت حد اعتدال بین قیمت چربی و قیمت صابون لازم بود اگر ما میخواستیم صابون را گرانتر بفروشیم چربی را هم گرانتر بایستی بخریم ولی ما چند صدتن معامله کردیم یعنی چند صدتن صابون داریم و بالظرفه آن بلکه بیشتر هم چربی تهیه کردیم و با این چربی که داریم دوباره میتوانیم بهمان اندازه بلکه بیشتر صابون بسازیم و در نتیجه این عمل میشود گفت که مثل این است که ما هیچ صابون از کارخانه بیرون نداده ایم چون با آن چربی که تهیه کرده است دوباره

صابون میسازد میگذارد جایش و هم کارگر از کارخانه بیرون رفته است و فعلاً همان مقدار صابون که چهار ماه پیش داشتیم الان هم موجود داریم منتهی در این وسط يك چیز دیگری هم هست و آن این است که اشخاصی که برای مصرف خانوادگی خودشان میخواستند اجازه دادیم يك صندوق دو صندوق ایم صندوق بروند و بخرند و اگر ما توانستیم تأمین کنیم خرید مرتب چربی را البته فروش مرتب صابون هم جریان پیدا خواهد کرد ولی اگر نشد این مقدار صابونی که از پیش بوده است و هم آن مقدار چربی که در نتیجه این معاوضه ها بدست آورده و خواهیم آورد این کافی برای احتیاجات و تصمیم جیره بندی هست و احتیاج باینکه محسوسین بخواهند تقار اختیار خودشان را تأمین کنند نخواهد بود ولی البته امروز همه چیز در مملکت ما گران شده است آن آقائی که روغن داشته است همه چیزش را حساب کرده که چند برایش تمام شده و به چه مبلغی ممکن است در بازار آزاد بفروشد با آن حساب بما فروخته آنوقت اگر ما میخواستیم چربی را ازش بگیریم او هم لابد قیمت صابون ما را پائین می آورد بنا بر این نمیدانم آقایان چه اندازه توقع دارند که قیمت صابون پائین بیاید و اگر آقایان ملاحظه بفرمایند در این چند ماه اخیر قیمت بیشتر اجناس چند برابر شده و قیمت صابون صدی ده ترقی کرده است و این ترقی هم يك چیز مهمی نبوده است همه چیز ترقی کرده است و قیمت صابون هم ترقی کرده است .

دولت شاهي - این جواب نبود .

وزیر دارائی - در این لایحه آقای اراقی صحبت هائی فرمودند ولی بنده چون بروی اصول لایحه بود بنده بطور اختصار جواب عرض میکنم اگر راجع به جزئیات مطالبی گفته شد البته توضیحات لازم داده خواهد شد . این که فرمودند بوی دیکتاتورى از این لایحه بر میآید بنده تعجب میکنم آیا دولت در انجام کارهائی که دارد و اجرائی قوانین آیا باید اعمال قوه و قدرت بکند یا خیر ؟ اگر يك وقتی حکومت نظامی برقرار شده و بعد از آن يك اعمالی انجام شده است این دلیل نمیشود

که هر وقت لازم شد حکومت نظامی برقرار شود بگویند نه نمیتوانیم برای اینکه آروز اینطور شد در صورتیکه باید فکر کرد روی وضعیت اشخاص و مواقع و اینطور نباید باشد که ریسمان سیاه و سفید را به بینند فوراً بگویند ما است آن را رفتی که شخص نگاه میکنند باید درست تشخیص بدهد اگر ما بود بکشد ولی اگر ریسمان بود که نباید بترسد . قبلاً عرض شد و در کمیسیون هم مذاکره شد که امروز وضعیت ایجاد میکنند که دولت اختیار محدودی برای تأمین این منظور بیکه در نظر گرفته شده داشته باشد و بنده در کمیسیون هم عرض کردم و هر نوع اصطلاحات که شائبه اختیارات و يك عملی که خارج از قاعده مقرر قوانین باشد بنده کاملاً موافقت کردم که از این لایحه برداشته شود و حتی بنده عرض کردم که قانون را نگاه می کنیم و هر جائی که دیدیم در حدود آن قانون است طبق مقرراتی که لازم است تهیه بشود در حدود قانون عمل میکنیم و بنده نمیدانم این عمل دولت که صرفاً برای تأمین خواربار است چه طور بوی دیکتاتورى ازش میآید؟ بنده که احساس نمیکند شاید شاهام کند است و شاهم دیگران ندارند است . عرض کنم اینکه فرمودند بایستی اقدامات را منحصر به دولت کرد و مردم را هم بایستی تشویق کرد عرض میکنم این کار شده است و ما کاملاً حسن استقبال می کنیم هر اقدامی را که از طرف مردم یا بشکل شرکت یا بشکل دادن نظریه بشود که ما این که برای فارس مذاکره شد بایک عده از آقایان نمایندگان و قرار شد که در خون نارس يك شرکتی تشکیل شود مثل اینکه در کاشان فرمودید تشکیل شد و آن شرکت مشغول خرید يك اجناسی در نقاط مختلف کشور بشود و آرا بیاورد در محل و در يك نقطه در دسترس مصرف کنندگان بگذارد و حتی بنده عرض کردم که دولت هم کمک خواهد کرد و يك پولی از بانک بایک فرع کمی خواهد داد تا باین وسائل کمک کافی بشود و حالاً هم بنده عرض میکنم در هر محلی اگر يك اشخاص خیری پیدا شوند و يك چنین اقدامی بکنند ما این که ما از نظریه آنها حسن استقبال میکنیم بلکه کمک پولی هم میکنیم و از طرف بانک ها هم کمک های

پولی می کنیم و این کار را تشویق کردیم و در تهران هم شروع شده و در ولایات هم شروع شد ولی در آجهائی که وفور خواربار است احتیاج نیست . راجع باین قسمت که فرمودند دولت خودش تشویق باحتکار میکند يك قسمت را که همکار محترم بنده جواب دادند (اراقی) - جواب ایشان قانع کننده نبود (اما راجع به چای این که چای اشخاص را در يك موقعی ضبط کرده اند بنده در آن موقع در کار بودم و نمیدانم فعلاً دولت يك مقدار محدودی چای خارجی دارد و يك مقدار چای داخلی این چای داخلی و خارجی غالباً به دو شکل فروخته میشود یکی اینکه باشخصی بایک قیمت نازلی میدادند و این تقریباً مثل يك هدیه ای بود که باشخص داده میشود و يك قسمت هم بوسیله حراج بنده هر دو را موقوف کردم هم فروش بوسیله حراج را و هم هدیه دادن را و اینطور در نظر گرفتیم که فعلاً همانطور که دولت قند و شکر را جیره بندی کرده و هر قدر داردمی دهد چای را هم آنچه که داریم بهمان ترتیب بدهیم . عرض کردم چای هم در انحصار دولت نیست و آنقدری که در کشور ما موجود است و با يك قیمتی که چای را واقماً در کشور هائی که چای عمل میکنند میفروشند با در نظر گرفتن مخارج ما میفروشیم . اما راجع به قیمتش چای دو قسم است یکی چای های داخلی و یکی هم چای های خارجی چای داخلی را مطابق حسابی که کرده ایم (همین را استدعا دارم آقای امیر تیمور هم اگر تشریف دارند توجه داشته باشند چون پریروز هم راجع به چای داخلی صحبت کردیم) الان بیست و چهار ریال خریداری میکنیم و حساب کردیم با قیمتی که الان فروش میرود بعد از مخارج لغاف و اینها برای ما بهمان قیمت بیست و چهار ریال فروش میرود این را بنده حاضر حسابش را بدهم و در جرائد هم منتشر شود و ممکن است آقایان ملاحظه بفرمایند که روی حساب بنده میگویم که عوارض صدی سه و غیره و غیره که دولت باید بدهد وقتی که آنها را حساب کنید برای ما سراسر میشود و هر منفعتی که ما بخواهیم ببریم باید به قیمت اضافه کنیم . اما چای خارجی بنده باید عرض کنم دولت از چای خارجی يك منفعتی

مدیرد ولی قیمتی که دولت میفروشد همیشه ده الی بیست در صد کمتر از آن قیمتی است که در بازار است ما هم یک تاجری هستیم ولی یک تجارت معتکوس میکنیم مثلاً اگر قیمت چای در بازار پنج تومان و نیم بود ما چهار تومان و نیم میفروشیم و اگر پنج تومان بود چهار تومان میفروشیم و این هم یک جور همکاری معکوس است و باین وسیله یک استفاده مشروعی هم میبریم ولی آن استفاده به خزانه مملکت میرود و خزانه هم مال مملکت است و آنچه که به خزانه میرود متعلق بملکت و مملکت است و اگر ما بتوانیم تمام چای هائی که تهیه می شود انحصار کنیم و مثل قند و شکر در انحصار دولت باشد البته آوقت دیگر باین قیود نیستیم و میدانیم که کسی دیگر غیر از ما نیست و یک میزای مبین خواهیم کرد که زیاد گران نباشد و کسی دیگر هم نتواند بفروشد و این را عرض کردم که در قسمت چای دولت حکم یک تاجری را دارد فقط تاجری است که همیشه از دیگران صدی بیست ارزانتر میفروشد یعنی ما معکوس عمل می کنیم این نظر دولت است راجع به چای اگر چه خارج از موضوع مطالب لایحه بود ولی در جواب آقای اراقی خواستم توضیح عرض کرده باشم رئیس - آقای طباطبائی .

طباطبائی - بنده در اساس مطالب کاملاً موافقم و یقین دارم در مجلس هیچ فکری جز این نیست که دولت هر قدر ممکن است در انجام دو اصل و انجام دو مطلب باید اهتمام کامل بکند که هم مجلس و هم مردم با این دو منظور از هر حیث موافقت یکی تأمین امنیت و بسط انتظامات عمومی و دوم مسئله تأمین خواربار . بنده البته آنطور موافق نمیتوانم باشم که مخالفت آقای اراقی را جواب بدهم و لازم هم نیست برای اینکه دولت یک جوابهائی داشتند و دادند ولی عرض کردم در اصل مطالب هیچ فکری جز موافقت نیست برای اینکه با اوضاع امروزه دنیا و با حوادثی که در این مملکت رخ داده است از هر حیث باید دست و بال دولت را باز گذاشت در این دو موضوعی که عرض کردم تا هیچ نوع بهانه ای در حال و آینده دست دولت نباشد

ملاحظه فرمائید در قانون مجازات عمومی برای احتکار برای محترک و برای اشخاصی که در هر مؤسسه کار میکنند و بخواهند سوء استفاده کنند مجازات هائی هست معیناً وقتی که لایحه جلو گیری از احتکار با آن مجازاتها به مجلس داده شد مجلس شورای ملی کاملاً موافقت کرد و حالا با بودن آن قانون هم دولت لازم دیده است که یک اختیارات بیشتری تحصیل بکند البته در حدود قوانین باز هم بنده از اشخاصی هستم که کاملاً موافقم که با دولت در این باب مساعدت شود اما یک مسائلی است که اینها را اگر بنده بعنوان تذکر عرض میکنم نباید حمل به مخالفت با قانون کرد بلکه برای این است که منظور دولت بیشتر تأمین شود و موفقیتی که در این قسمت همه انتظار داریم کاملاً نصیب دولت و مملکت بشود این جا که صحبت شد ممکن است از قانون مأمورین دولت سوء استفاده کنند بنده این را باید عرض کنم که قانون و مجلس هیچوقت بهیچ دولتی اجازه سوء استفاده نداد قانون حتی در دوره سابق (بنده نمیخواهم عرض کنم هر چه که بود) صورت ظاهرش محفوظ بود و هیچوقت هیچ قانونی نیست که بدولت اجازه این را داده باشد که برود بطوری که اشاره کردند نظر دیکتاتوری داشته و آن نظر را تعقیب کند و یک عملیاتی را مرتکب شود که کاملاً برخلاف هر قانونی است این جا هم اختیار و اجازه ای که بدولت داده میشود فقط محدود به امر خوار بار یعنی آنوقه عمومی است و راجع به وسائط نقلیه هم البته تا آن حدی است که بهر در این منظور میخورند هر وسیله نقلیه . یک مسئله را آقای وزیر دارائی بیشتر باید توجه کنند و آن مطلبی است که در این چند روزه مکرر به بنده تذکر داده شده و آن قیمت گندم و غله است الا آن جاهائی هست که نرخ آزاد باارخی که تثبیت دارد از مردم میخورد صد در صد تفاوت دارد بنده عرض نمیکنم با همان نرخ که مردم میل دارند بخرید ولی باینکه نرخ که صد در صد فرق دارد هر اندازه که قانون بگذرانیم و هر اندازه ای که دولت فشار داشته باشد باز هم موفق خواهد شد و موفقیتش کمتر خواهد بود بنده شنیدم (حالا اسمش را یادم رفت)

باین کسی که کارش گار از داری است و وسائلی دارد قراردادی بسته اند و باید گندم حمل کنند از همدان یا کرمانشاه دولت با او قراردادی بسته است شصت هزار تومان هم باین آدم پول داده اند و مقداری هم لاستیک باو داده اند او رفته است کرمانشاه یا همدان و یک کارهای دیگری برای او پیش آمده است که نفعش از این معامله بیشتر بوده است و رفته است بی آن کار و به تعهد خود عمل نکرده است دولت که برای انجام تعهد باو مراجعه کرده است اصلاً جواب دولت را نداده است این جا دولت طرف است و بدون اینکه قانون احتکاری باشد و بدون اینکه اختیاری داشته باشد چه مانعی برای تعقیب او داشته است ولی تا بحال دولت نتوانسته است پول خودش و لاستیکی که داده است از او پس بگیرد کدام قانون دست و پای دولت را در این باب بسته بود که این آدم را تحت تعقیب قرار بدهند و نگذارند تخطی بکند از قرار دادی که امضا کرده است و پول بگرفته است و در این موقع که لاستیک پیدا نمی شود مقداری لاستیک گرفته است ؟ دیگر از کارهائی که دولت باید توجه بکند در این موقع که وسائط نقلیه کارش مشکل تر می شود برانداختن اربابها و وسائط نقلیه ای است که سابقاً معمول بوده و ضمناً باید تذکر بدهم به آقای وزیر دارائی (که البته توجه دارد با اهمیت مورد) باید از وسائط نقلیه خود دولت استفاده کنند یکی از رفقا پریروز بمن میگفتند که چهار ماه پیش در یکی از ولایات مقداری گندم بوده است خواسته اند حمل کنند گفتند وسیله نداریم گفته شده که ارباب و کاری از این چیزها راه بیندازید گفته اند پانزده روز طول میکشد تا برسد الا آن چهار ماه است از آن موقع گذشته و آن گندم ها هنوز آنجا است الا آن در دسترس قشون کامیونها و وسائلی هست که ممکن است از آنها برای تأمین این منظور حالا و در آینده استفاده کرد میفرمایند در فارس قحطی است کمیابی آنوقه است و بعضی جاها گندم داریم به دولت گفته میشود چرا اینها را نمیفرستید میگویند وسیله نداریم اینها وسیله است اینها برای این قبیل موارد تهیه شده است بگذارید در دسترس باشد

و استفاده کنید در خانه عریضم این قسمت را باز تذکر میدهم و تکرار میکنم که در قانون هیچگونه اجازه و اختیاری بدولت داده نمیشود جز تأمین خواربار و ارزاق عمومی و اگر در آینده ماموری پایش را از این قانون بیرون گذاشت بهیچوجه بمجلس و قانون مربوط نیست و مأمور تخطی است از قانون این بود عرض بنده

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - موضوع تأمین خواربار و ارزاق بقدری مهم است که هیچیک از آقایان با آن مخالفتی ندارند و اگر مطالبی هم داشته باشند در اول مذاکره خودشان تأیید این موضوع را میکنند که برای جمع آوری ارزاق و تأمین خواربار بایستی مساعی جدی بکار برده شود بنابراین اشخاص که بعنوان مخالفت صحبت کردند با اصل موضوع موافق هستند که بدولت کمک شود برای اینکه میدانند که موقع حساس است و برای جمع آوری غله باید با دولت کمک بکنند اما در آخرش یک اماهائی گفته میشود که آن اصل موضوع اگر ترتیب اثر داده شود آن اماها اصل نظر را از بین میبرد و این اماها را دولت کاملاً متذکر است در کمیسیون و جلسه خصوصی هم که مذاکرات لازم شد بگرای هائی هم اهالی داشتند و باین اصلاحاتی که شد گویا دیگر جای بگرای نیست اولاً قانون احتکار که صحبت شد قانون بسیار خوبی است و اسمی از این ماده درش نبود و نظری نبود که برای اجرای این امر مفید باشد و از بین رفته باشد تمام نظریات در آن جا نکرشد و تصویب و تعدیل شد و بعد هم ممکن است که یک چیز هائی پیش بیاید که در قانون احتکار پیش بینی نشده باشد گفته شد که مطابق آن قانون عمل بکنند و کیفر هایش هم در حدود کیفرهای قانون احتکار باشد ما هر چه زودتر باید این کارها را خانمه بدهیم و بدولت کمک کنیم در این که با کمال جدیت موفق شود برای جمع آوری ارزاق و خواربار و از این راه خدمتی بکشور کرده ایم و وظیفه ایست که انجام داده ایم و هر قدر مسامحه شود در این کار جبرانمش مشکل است و بمقیده بنده با این اصلاحاتی که در این ماده بگنایه شده است و

توضیحاتی که داده شده معتقدم که زود تر رأی بدیم و تمام شود و مشغول کار شویم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. پیشنهادات قرائت میشود

پیشنهاد آقای فرمانفرمایان

در ماده یگانه پیشنهاد میشود پس از جمع آوری کلمه (مازاد) ضمیمه شود

فرمانفرمایان - چنانچه مکرر این جا صحبت شد با اهمیتی که همه آقایان به امر خواربار میدهند از هر گونه تقویتی هم که لازم باشد برای پیشرفت این مقصود و مرام از تقویت با دولت مضایقه میشود و هیچ تردیدی نیست که بایستی وسائل کار دولت را فراهم کرد که بتوانند واقفاً راجع بارزاق عمومی یک تردیدی بدهند و تأمین خواربار مملکت را بنمایند در اینجا بنده یک کلمه را پیشنهاد کردم از این نقطه نظر است اینجا در ماده یگانه مینویسد: (که مجلس شورای ملی برای خرید و جمع آوری غله) البته این جمع آوری در تمام مملکت باید بعمل بیاید و برفع شهرها هم هست بعلمت اینکه این غله را باید از دهات و بیرونها جمع آوری میکنند و بیاورند شهرها برای اینکه ارزاق شهرها را فراهم کرده باشند بنده میخواهم به بینم که آقای وزیر دارائی و دولت با این ماده واحده که بنده خودم هم رأی بآن خواهم داد و آقایان هم تصویب خواهند فرمود بالاخره راجع به بیرونها چه میکنند اگر در یک بلو کی اگر در پنجاه پارچه آبادی برای ارزاق عمومی اهالی آنجا بکنم فراهم نشد تکلیف آنها چیست شما هر چه هست آنجا بنا کردید بکشیدن و انبار و سیلو یا بر کردن تکلیف آنها چه خواهد شد اینجا یک جمله کلی و اعمی را استعمال فرمودید که بنده نهایت انگرانی را دارم برای اینکه غیر از اینکه اشخاص که در بیرونها هستند و بالاخره همین مقدار غله و حبوبات را آنها بعمل میآورند اینها از گرسنگی بمیرند و علاوه بر آن باید بذر آتیه آنها

وزیر دارائی - بنده تعجب میکنم که چطور آقای فرمانفرمایان با آن دقتی که همیشه در کار دارند در این لایحه آن قسمت لازم را فرمودند اولاً ایراد میفرمایند که اگر این لایحه بگذرد جماعتی از اشخاص که در خارج از شهرها هستند ممکن است رزق آنها گرفته شود قانون احتکار که گذشت اولاً مینویسد مازاد را دولت میگیرد ثانیاً مینویسد که از مالکین میگیرد از رعیت که چیزی نمیگیرد کاری بکار رعیت ندارد ثانیاً در آئین نامه مینویسد که مالکین میتوانند یک مقداری نگاه بندارند و بفروشند و در اینصورت دیگر بنده نمیدانم که چه نگرانی باقی میماند (صحیح است) بارعیت که کاری نداریم مالک هم که خودش میتواند یک مقداری اضافه نگاه بندارد بنابراین همان مازاد از مالکین گرفته میشود دیگر به رعایا ما چه میتوانیم بکنیم بیش از این کاری نمیتوانیم بکنیم یکی دیگر عمل است که میفرمایند حالا ممکن است یک مأمورینی در سنوات گذشته بواسطه وضعیت تهران که چیزی نداشته است رفته اند و حتی بذر راهم ممکن است آورده باشند این را باید عرض کنم که خوب ممکن است یک عمل اشتباهی شده باشد در یک مرقع مشکلی ولی حالا البته سعی میشود که آنچه در قانون گذشته عمل شود و راجع بوساطت نقلیه هم که فرمودند ما واقفاً اگر لازم شد وطوری شد که ما بتوانیم الاغ هایی را که هست بار کنیم و بشهرها برساییم که مردم امیرند این کار را خواهیم کرد و امیدواریم که باین کار برسند چون با الاغ کار زیادی پیشرفت میکند و با کلمه مازاد هم که پیشنهاد فرمودند بنده موافقت میکنم و مانعی ندارد.

اعتماد (مخبر کمیسیون) - بنده هم موافقت میکنم با اضافه شدن کلمه مازاد.

رئیس - آقای هاشمی

هاشمی - یک اصلاحی است که عرض می کنم در لایحه نوشته شده است هر اقدامی را که لازم بدانند بموقع اجرا بگذارند چوی فاعلش دولت است باید نوشته شود هر اقدامی را که لازم بدانند بموقع اجرا بگذارند

رئیس - مانعی ندارد این از نظر احترام دولت است پیشنهاد آقای روحی
تبصره زیر را پیشنهاد میکنم
تبصره - دولت مکلف است برای کالاهائی که از کارخانه های داخلی تهیه میشود قیمت معین و حد اکثر صدی هیجده سود برای صاحبان سهام آن منظور دارد.
روحی - بنده این تبصره را پیشنهاد کردم و امیدوارم که آقای وزیر دارائی هم لطفاً بپذیرند و آن این است که کالاهائی که از کارخانجات داخلی اعم از دولتی و غیره خارج میشود اینها را با صدی هیجده سود دولت قیمت بکند و نگذارد از اینها بیش از این سود و صرفه ببرند اداسه بنده زیاد است این کارخانجات که رگ گداخته اند و تسهیلاتی در پیش برای آنها فراهم شد و نمیکشیم عرض کنم که حالا سرمایه استهلاک شده یا آنها چه سود برده اند البته اینها مزد کارشان را برده اند و بنده خیلی خوشوقتیم که توانسته اند یک همچو خدمتی بکشور بکنند ولی امروز که ما میبینیم که دولت های بزرگ مثل امریکا برای سرمایه داران مهم بیست و یک هزار دلار بیشتر در سال سود منظور نمیکشند ولی در کشور ما با این احتیاج مبرم دولت باید سودشان از صدی هیجده بیشتر شود این را میخواهم عرض کنم صد و ده هزار دنگ نرخ ریزی در ایران است بنده آنچه کوشش کردم که ده هزار دنگ هم برای کرمان بفرستند گفتند میزان آن پر شده است و بیش از این نداریم الا آن می بینیم با بودن صد و ده هزار دنگ نرخ ریزی یک جفت جورابی مرا که پیش خدمت یک اداره میپوشید باید شش قران پول بدهد این یعنی چه چرا باید اینها را این پارچه ها را به این قیمت های گزاف در داخله بفروشند شرکت حریر من امیدامم بکجا گفته میشود صد و بیست هزار تومان بهش تخفیف داده اند بکجا از قیمتی که دولت معین کرده دو برابر آن این پارچه ها را ب مردم میفروشند (صحیح است) این بی انصافی است آقا باید آقای وزیر دارائی و آقای وزیر پیشه و هنر جداً با این بی انصافی ها مقاومت کنند و جلو گیری کنند این پیشنهاد بنده هم عادلانه

است صدی هجده سود بیشتر برایشان منظور نکنید آقا ... (بعضی از نمایندگان - صدی هجده زیاد است آقا) خوب زیاد است بنده صدی دوازده پیشنهاد میکنم.

وزیر پیشه و هنر - بنده از این پیشنهاد نماینده محترم متشکرم و بیشتر تشکر از این است که وقتی که اینجا صحبت شد آقای وزیر دارائی هم قبول فرمودند و نظر آقای اراقی را هم بتوانیم اینجا تأمین کنیم خلاصه نظر ایشان بسیار درست است بخصوص در هر چه موقعی باید اقدامی کرد که کارخانجات البته بصرفه ملت اقدام کنند و این نظری که میفرمایند وزارت پیشه و هنر و بازرگانی هم در نظر داشت و به استناد قانون احتکار ~~بسیار~~ است همین نظر را اعمال کند بهمین جهت دعوتی هم شده بود از آقایان صاحبان کارخانه ها و فردا روز موعدی است که بنا بود از همه مملکت جمع بشوند که این منظور مملکت و مجلس تأمین شود و البته بنده تردید ندارم که آقایان وقتی که ببینند که روی یک بیت خیر است خودشان حاضر خواهند شد و ترتیب عادلانه داده خواهد شد که این منظور تأمین شود و البته اگر دولت باید این منظور را تأمین کند آقای وزیر دارائی هم موافقت خواهند کرد که نسبت بکارخانجات خود دولت هم این نظر را اجرا کنیم (صحیح است) بنابراین دولت این پیشنهاد را قبول میکند.

پیشنهاد آقای اوار :

تبصره - دولت مجاز است نسبت به تخلفین در قانون احتکار حد اکثر کیفر مقرر را اجرا نماید

اوار - یک فرمایشی آقای اراقی در اینجا فرمودند خواستم عرض کنم که از قیامت خبری میشود دست از دور بر آتش داری کاشان آقا دارالمؤمنین است جمع شدند اتحاد کردند اتفاق کردند پنجاه هزار تومان درست کردند اما در فارس خبر دارید که چه کردند خبر دارید که محاکمین در آنجا نسبت بمردم چه میکنند و چه طور رفتار میکنند و چه اعمالی میکنند همین آقای نمازی یک زحمتی کشیده است و یک قسمت از کالا را با قیمت ارزانی در آنجا فروخته است روزنامه عصر

قسمت ها تقویت کرد و باید مجازات این اشخاص بی انصاف را زیاد کرد و اشد مجازات کرد این است که من این پیشنهاد را کردم دولت هم قبول نکند نکند ولی اگر من بجای دولت باشم بالا تر از این مجازات در باره این اشخاص اعمال میکنم چرا ؟ برای اینکه یک مسئله کلی است شرقلیل برای خیر کثیر باید تحمیل شود میفرمائید فلائکس را دارمیزند یا فلائکس را حبس میکنند این شرقلیلی است در مقابل این شرقلیل خیر کثیر است جماعتی را باید نجات بدهیم و جماعتی را نان بدهیم امروز تمام چشم آنها به مجلس است امروز ما باید با نهایت قدرت توی دهن محاکمین بزایم بگوئیم تمام جنس های شما را باید دولت بیرون بیاورد هستند مردمانی که هزار کیسه برنج توی اطاقشان هست ~~تحت رعیت~~ بدبخت که یکمشت برنج خواب نمی بینند خدا شاهد است آقایان میروند مرد که کدو میخورد سیصد چهارصد کدو دوست تاسیصد تابش را پایمال میکنند برای خاطر اینکه کدوئی را که تازه آورده است دانه سه قران بفروشد آنجا دانه سه عباسی میخورد یک قسمت را پایمال میکنند !

اراقی - آقای اوار حرفهای بنده را تحریف کنند من جداً تکذیب میکنم.

اوار - چه چیز را تکذیب میکنید . من که حرفهای شما را رد نکردم بنده حاضر جواب بدهم و ثابت کنم امروز این چیز هائی که مورد ضرورت مردم است بدست یکمده اشخاصی افتاده است که به قیمتهای گران میفروشند و ما باید دولت را مسئول بدانیم استیضاح کنیم اگر چنانچه یک نفر در اوراق عمومی و گندم احتکار کرد و دولت اقدام نکرد کاملاً مسئول است .

وزیر دارائی - عرض کنم راجع به تبصره که آقای اوار پیشنهاد فرمودند که اشد مجازات نسبت به محاکمین اعمال شود این اشخاص را بنده تقدیس میکنم و همه کس معتقد است کسی که مبادرت باحتکار کرد باید بشدت مجازات شود اما اشخاص و روع احتکار این خیلی تفاوت دارد یک کسی شاید خیال احتکار را داشته است و یک کسی شاید یک احتکاری

را کرد و مقادیرش کمتر است اینست که بعقیده بنده باید واگذار کرد به همین دادگاه ها که واقماً رسیدگی کنند و بنا بر زیادی و کمی تقصیر مجازات آرا تعیین کنند و مجازاتهایش هم شدید است و بنظر بنده این روح در قضات هم البته اثر خواهد کرد یک اشخاصی که اینطور زندگی مردم را در سختی میکنند باید نسبت بآنها عمل شدیدی کرد این است که بنده تصور میکنم اگر موافقت بکنند بهمین طور قانون بگذرد و قضات هم نسبت باین عمل اختیار داشته باشند بنده گمان میکنم که نظر آقای اوار کاملاً تأمین شده باشد .

اوار - استرداد میکنم - اجازه میخواهم آقای اراقی بنده خبر راجع به کاشان را تکذیب نکردم و ایشان خبر از کاشان دارند و در جاهای دیگر نمیدانند چه خبر است هیچوقت فرمایش شما را تردید نکردم .

رئیس - پیشنهاد آقای هاشمی .

پیشنهاد میکنم دولت مکلف است از هر گونه سود خارج از حد اعتدال پیشه و ران و تقلبات گوناگون در صنایع نیز جلوگیری کنند .

هاشمی - بنده اصراری ندارم که بعنوان تبصره یا ماده قانون در همین موقع این امر مورد توجه دولت واقع شود فقط خواستم تذکری بدهم که در مد نظر داشته باشند سر و کار توده و عامه مردم فقط با حصول کارخانجات تنها نیست که همین که محدود شد سود آنها به صدی دوازده یا هیجده یک تخفیفی حاصل شود در قیمت بلکه سر و کار عامه مردم و میلیونها نفوس با پیشه و ران و ارباب حرف و صنایع دستی است مثلاً کفشدوز کیفیت ساز و دیگری که کار اینها وضع عجیب و غریبی در مملکت شروع شده از یک طرف از مصالح دزدی میشود و چیز فاسد و کالای بد تهیه میکنند از یک طرف منظمأ هر هفته هر ماه بر قیمت میافزایند و بدیهی است این امر هم از طبقه عالی به سرایت کرده تا طبقه پایین بکمر آید دیگر هم عرض کردم که کفش بچه گانه بیست ریالی را بالا برده است به نود ریال صد ریال عوضش در برابر دوام آن سه روز است (صحیح است)

و دوامی ندارد و مقصود را در عوض چرم بکار برده است (امیر نيمور صحيح است) این باب که مفتوح شد در يك ملكتى سرو کار بکجا خواهد کشید اگر فکر انسان بجائی میرسد که يك حد يقفى دارد میگفت خوب چهار صباحى دیگر اصلاح میشود حتى سرايت کرده است بآن کسی که نوع میوه جات و سبزیجات را میخورد از عمده فروش قانع به صدی ده و صدی بیست نیست و صدی صد و صدی دوست میخواید استفاده ببرد این را خوبست دولت در نظر بگیرد .

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - نظریه آقای هاشمی بجای خودش البته صحيح است و باید مورد توجه باشد ولی چون تصور میکنم پیشنهادات دیگری هم در این باب رسیده ممکن است آنها هم خوانده شود و تلفیق بشود و يك پیشنهادی که جامع نظر ایشان و سایرین باشد بنده قبول خواهم کرد .

رئیس - تبصره پیشنهادی آقای طباطبائی :

تبصره - دولت مکلف است مراقبت کامل در حصول کارخانه های داخلی مبذول دارد که از حیث مهارت و خوبی جنس در آئینه تفاوتی حاصل شود .

رئیس - آقای طباطبائی .

طباطبائی - عرض میکنم پیشنهاد آقای روحی برای قیمت محصول کارخانه ها لازم بود اگر خاطر آقایان باشد بنده دو هفته ماه قبل راجع باین موضوع اینجا عرض کردم و دیدم که همه آقایان متوجه هستند و میدانند حالا که پیشنهاد آقای روحی تصویب شد این نگرانی برای ما پیش آمد که ممکن است چون در آئینده تعدیل شده است در قیمت از حیث مقدار از حیث کیفیت و خوبی اجناس کم شود چون اینطور که تا بحال استفاده میکرد بعد از این محدود شد ممکن است از مقدارش کم بکند و البته با احتیاجات امروزه ملکات صحيح نیست این بود که پیشنهاد را تقدیم کردم اگر این منظور تأمین است و دولت موافقت خواهد کرد بنده اصراری ندارم والا اگر دولت هم متناسب بداند استدعا میکنم که ضمیمه همان ماده بشود .

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - میخوام فقط توضیح

جنسی تهیه میکرد مانع بود از اینکه اهالی ساوجبلاغ و اهالی کوهنایه جنسی برای مصارف شخصی خودشان خریداری کنند و کار بجائی رسید که بنده از آقای وزیر دارائی مابق درخواست کردم که يك مقدار جنس از برای اهالی برغان و طالقان اختصاص بدهند و میسر نشد امروز همان مردمی که در کوهپایه نشسته اند و زراعت شان کفاف گذرانشان را نمیدهد دوازده فرسخ را طی میکنند بظهران می آیند و از ظهران نان تهیه میکنند و میروند بنده میخوام از آقای وزیر دارائی تقاضا کنم که نسبت باین مردمی که در کوهستان سکنی دارند و بقدر کفاف گذران و اعاشه ندارند اجازه بدهند که از محلی که همه ساله خریداری میکردند خریده و گذران بکنند و چون در موقع موفق نشدم عرایض خودم را عرض کنم خواستم بعرض مجلس برسانم . راجع به خواربار و ارزاق عمومی آنقدر وحشت نیست که ما اذهان عمومی را اینطور مشوب کنیم مثلاً در محل انتخابیه خودم که یکماه قبل گندم خرواری یکصد تومان بوده تنزل کرده است به شصت تومان پس محصولات تا آن اندازه که بعضی تصور میکنند بد نیست و اگر تصادفاتی نکند گویا باندازه ما کافی باشد و یگانه چیزی که باعث خواهد شد مالکین از تحویل درآمد مالکانه در موقع خودش خودداری کنند فقط و فقط آن عملی است که دولت در سال گذشته با آنها کرده باین معنی که در هر محلی نرخ بهر مبلغی بود نصف او خریداری میکرد این بود که مالکین مجبور می شدند که از فروش خودداری کنند در این قسمت خواستم از آقای وزیر دارائی تقاضا کنم که نرخ عادلانه محلی را مدرك قرار بدهند که اجحاف بمصرف کننده و نه اجحاف بفروشنده بشود

وزیر دارائی - نسبت به اشخاصی که معمولاً جنس خودشان را ازدهات خارج می خریدند تسهیل خواهد شد و در آئین نامه قانون احتکار هم نوشته شده و مسائلی هم پیش بینی شده که این نسبت چه خواهد بود مضافاً باینکه معمولاً این خرید را از مازاد رعایا می کردند و ما هم چیزی از رعایا نمیگیریم که رعایا يك قسمت را خودشان میخورند و يك قسمت را هم

مختصری عرض کنم که ذهن آقایان مسبوق باشد آقای وزیر دادگستری تشریف داشتند منظور آقای طباطبائی در آئین نامه که برای قانون احتکار نوشته شده تأمین است در آن جا قید شده است که صاحبان کارخانجات حق پائین آوردن میزان محصول خودشان را ندارند و اگر يك دلالتی داشتند که موجه بود یا این که مواد اولیه پیدا نکردند و يك طوری شد که واقعاً مقدور نبود کارگران کارخانه ها مکلف هستند در طرف مدت معینی این را اطلاع بدهند و تعطیل بکنند و البته هر گونه اختیار در دست دولت هست و حتی دولت خواهد توانست در تحت نظر خودش کارخانه را بکار بندد از محصول لازم را برای احتیاج مردم تحصیل کند بنابراین تأمین است نظر ایشان .

طباطبائی - بنده مسترد میکنم .

رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - خواستم عرض کنم در این آئین نامه که فرمودند پیش بینی شده دولت بنظر بنده باندازه دستش بساز است برای اینکه این مسائل را رسیدگی بکند که حدی ندارد در این موقع که جنگ عالم گیر است دولت باید راجع به همه چیز همین نظر را اعمال بکند بنظر بنده دولت باید يك هیئتی با يك کمیسیون و با يك دستگاه خاصی داشته باشد که هر کس بخواهد در این موقع سوء استفاده بکند و قیمت جنس را بالا برد جلو گیری بکند و منحصر بیکى دو تساهم نیست البته این پیشنهاد آقای روحی که قبول شد مقدمه آید برای اینکه دولت سایر مسائل را تعقیب بکند و جلو گیری بکند

رئیس - تبصره پیشنهادی آقای دهستانی

تبصره - افراد محلی که همه ساله از دهستانهای مجاور برای مصرف خانواده کی خود خواربار خریداری مینمودند و همچنین خوش نشین در هرد مجاز خواهد بود بمقداری که در آئین نامه احتکار معین است معمولاً از همان محل خریداری کند .

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - در سال گذشته که اداره تثبیت در ساوجبلاغ

رئیس - آقای دشتی .

دشتی - این ترتیب که میشود یک پیشنهاد قبول شد در اصلاح کرد .

مخبر - قسمت اولش را که دولت قبول کرد در کمیسیون هم موافقت میکند قسمت دوم را بنظر بنده بگذاریم برای وقت دیگر .

روحی - بسیار خوب این پیشنهاد را پس میگیریم و همان پیشنهاد اولیه را تأیید میکنم .

(تبصره پیشنهادی مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای هاشمی .

هاشمی - راجع به پیشنهاد دوم آقای وزیر پیشه و هنر شرحی مرقوم داشته اند مطابق آئین نامه اختکار میتوانیم و اختیار داریم که از این تعدیبات جلو گیری کنیم بنا بر این بنده هم اصراری ندارم و منظورم جلو گیری از اجحاف است و در این صورت مسترد میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای هاشمی .

پیشنهاد میکنم پس از (برای کالا هائی) و (شر کتهائی) اضافه شود .

هاشمی - بنده اطلاع دارم بعضی از قسمتهائی هست یعنی شر کتها شاید از همان ضرر ارزاقی که دولت متحمل شده شر کتهائی درست شده است که صدی پانزده استفاده برده یعنی دولت ضررش را میداده و آنها منافعش را می بردند بظن این این پیشنهاد را کردم .

پیشنهاد آقای دشتی

پیشنهاد میکنم بماده و تبصره جدا گانه رأی گرفته می شود

دشتی - این تبصره که آقایان پیشنهاد کرده اند اساساً بدینست که قیمت اجناس را که خود بخود بالا میرود جلوش را می گیرد اما بنظر بنده جایش در این ماده نیست چرا ؟ برای این که البته تصدیق می کنم یک وقتی کارخانجات صدی پنجاه و صدی صد منفعت کردند اما حالا یک مرتبه در لایحه ای که دولت برای خواربار می گذراند این پیشنهاد

بنظر بنده خوب نیست بنده عقیده ام اینست که همان طور که آقای وزیر پیشه و هنر قول دادند که بازار گانان و صاحبان کارخانجات را بخواهند و یک فکر اساسی بکنند این منظور را بگذاریم برای بعد از مذاکره با آن آقایان در مملکتی که نرخ تنزیل صدی بیست یا صدی بیست و چهار است شما بخواهید منافع کارخانجات را صدی دوازده بکنید این معنی ندارد و بنظر بنده این کار بسیار غلطی است و نتیجه این کار اینست که جنس دوتا بورس پیدا می کند و همه بطور محرمانه و سری جنس را ده برابر می فروشند و دیگر هیچ جنسی پیدا نمیشود مداخله دولت در امور تجارت و در امور بازار گانی حتی الامکان بایستی محدود باشد و بعلاوه باین شکلی که میشود بدون مطالعه بکلی غلط است باید اجازه بفرمائید وزارت پیشه و هنر برود مطالعه بکند با بازار گانان صحبت کند و این کار حل شود لهذا بنده پیشنهاد کردم که تجزیه شود

مخبر - این بسته بنظر مجلس است البته هر طور که آقایان رأی دادند قبول میشود و اگر رأی ندادند رد میشود

وزیر پیشه و هنر و بازار گانی - بنده خدمت آقایان

عرض کردم که وزارت پیشه و هنر بموجب امری که در قانون اختکار و آئین نامه اختکار شده بود ناچار بود مطالعاتی در این کار بکنند و همینطور که عرض کردم از کلیه صاحبان کارخانجات دعوت شد و قرار است فردا بیایند صحبت کنیم و مذاکره کنیم ولی یک مطلبی را آقایان مراعات بفرمایند برای اینکه درست بتواند با آقایان مذاکره کند البته اگر نظر عمومی مجلس در این کار دخالت داشته باشد بهتر است (صحیح است) درست است که در مملکت ما نرخ فرعی زیاد است ولی این راهم تصدیق بفرمائید آن کسی که این پول را قرض میگیرد زیاد هم استفاده میبرد پس استدعا میکنم بطور کلی این اجازه بدولت داده شود که ترتیبی بدهد برای این کار یعنی دولت بتواند این کار را بکند و این را بیک صورت صحیحی در بیاورد و ما هم بتوانیم بانکاء آراء عموم مجلس که این نظر را دارند این صحبت را بکنیم و اگر این مطلب

در مجلس حل نشود یک قدری کار مشکل خواهد شد

(بعضی از نمایندگان - رأی بگیریید

مخبر - بنظر بنده تجزیه وقتی پیشنهاد شد طبق نظامنامه الزامی است اول بماده رأی بگیریید بعد به پیشنهاد آقای روحی چون جمعی موافقت و بعضی دیگر مخالفند و بنظر بنده مجلس تکلیفش را معین میکند

رئیس - رأی میگیریم بماده واحده با اصلاحی که در ماده شد (و کلمه مازادی اضافه شد) آقایان موافقین برخیزند

(اغلب بر خاستند) تصویب شد رأی گرفته میشود به تبصره با اضافه کلمه شر کتها آقایان موافقین برخیزند (اغلب بر خاستند) تصویب شد رأی گرفته میشود به ماده واحده و تبصره موافقین قیام نمایند (اغلب بر خاستند) تصویب شد [۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر آقایان موافقت جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آئینه روز پنجشنبه ۲۸ خرداد سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح موجوده (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اعطای اختیار بدولت برای تأمین خواربار

ماده پنجاه - مجلس شورای ملی برای خرید و جمع آوری مازاد غله و سایر مواد خواربار و تأمین وسایل نقلیه بمنظور تهیه ارزاق عمومی از تاریخ تصویب اینقانون تا آخر مهرماه ۱۳۲۲ بدولت اجازه میدهد برای مواردی که درقانون احتکار و آئین نامه آن پیش بینی نشده است هر اقدامی را که لازم بدانند بموقع اجرا بگذارند کیفرهای ضروری نیز دراین باب (در حدود کیفرهای مقرر درقانون احتکار) از طرف دولت اعلام و اجرا خواهد گردید .

تبصره - دولت مکلف است برای کالاهائی که از کارخانه های داخلی و شرکتهای تهیه میشود قیمت معین و درسال حد اکثر صدی دوازده سود برای صاحبان سهام آن منظور دارد .

اینقانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و چهارم خرداد ماه یک هزار و سیصد و بیست و یک بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری